

ایران طاغوت |

داریوش همایون: می‌گویند گاهی اوقات یک دولت احمق برای نابودی تو کاری می‌کند که هزار دشمن نمی‌تواند آن کار را انجام دهند. داریوش همایون یکی از این آدم‌ها بود. کسی که با نوشتن مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات و توهینش به امام باعث خشم تمام مردم ایران شد. او یکی از جاسوسان مورد علاقه سیا و موساد بود و در سال‌های آخر عمر حکومت پهلوی وزیر اطلاعات و جهانگردی شد. او یکی از فاسدترین رجال حکومت پهلوی بود که خیانت‌های بسیاری به مردم و به خصوص جامعه مطبوعاتی آن زمان روا داشت. او را یکی از بزرگترین عوامل سانسور مطبوعات می‌دانند؛ چراکه او عملاً در جریان انقلاب اسلامی دستورالعملی برای شناساندن موارد سانسور به مطبوعات ارسال کرده بود. وی همچنین به صورتی علنی روزنامه نگاران را مجبور می‌کرد که خودسانسوری کنند تا مبادا کسی بر علیه شاه سخنی بگوید.



بختیار: مرغ توفان! کسی بود که دوست داشت مردم ایران را بترساند اما بیشتر آنها را می‌خنداند. او آخرین نخست‌وزیر محمدرضا پهلوی بود. یا در واقع آخرین قربانی او. کسی

که وقتی شاه می‌خواست ایران را ترک کند تا فرودگاه دنبالش دوید تا به شاه اطمینان دهد، همه کارها را درست خواهد کرد و کاری می‌کند که شاه دوباره برگردد. ادعایی تو خالی که هیچ وقت جامعه عمل به خود نپوشید. درست در زمانی که بختیار این بلوف‌ها را می‌زد مردم در شهر و خیابان‌ها فریاد می‌زدند وای به حالت بختیار اگر امام فردا نیاید... او خیلی سعی داشت جلوی ورود امام به کشور را بگیرد چرا که می‌دانست در صورت ورود امام به کشور دیگر جایی برای او نیست. سرانجام هم چنین شد و بعد از ورود امام و پیروزی مردم در ۲۲ بهمن ماه مدتی مخفیانه زندگی کرد تا توانست خود را به فرانسه برساند و شرش را از سر مردم ایران کم کند.

اشرف پهلوی: خواهر دو قلوبی شاه و یکی از فاسدترین زنان خاندان پهلوی که با ندانم کاری هایش مشکلات بسیاری را برای شاه به وجود آورد. او یکی از مال‌اندوزترین افرادی بود که در اطراف شاه وجود داشت و با هوسرانی‌ها و اخلاق فاسدش مدام برای حکومت ایران در دروس درست می‌کرد. یکی از بارزترین این دروسها دستگیری او با یک چمدان پر از تریاک در اروپا بود! او البته نفوذ عمده‌ای روی محمدرضا شاه داشت و در تمام شئون مملکت دخالت می‌کرد. از عزل و نصب وزیران گرفته تا اتخاذ تصمیم‌های مهم دیگر برای کشور به خاطر همین خیلی‌ها معتقد بودند که بالاخره سیاه می‌نشانند. به دلیل همین رفتارها بود که زنده یاد دکتر مصدق وقتی به قدرت رسید اولین کاری که کرد اخراج او از کشور و قطع دست او از خزانه مملکت بود. می‌گویند در این زمان اشرف فقط با فروش عتیقه جات خود توانست میلیاردها دلار به دست بیاورد و برای بازگشتن به ایران دوباره تلاش کند.



کشور آرامش برقرار نشود تا اصلاح نشود... از این جهت... همه جوان‌های محترم و عزیز با بیداری توجه داشته باشند که این‌هایی که در بین جمعیت‌ها می‌آیند و می‌خواهند با اظهار اسلامیت، با اظهار این که ما برای کشور دلسوز هستیم، مانع بشوند از این که مردم کار بکنند... اینها دوستان شما نیستند. اینها همان‌هایی هستند که می‌خواهند نگذارند مملکت شما، کشور شما، مستقل بشود... اعراض کنید از ایشان... از این به بعد هم من امیدوارم که با حفظ خودتان و حفظ ایمان خودتان و توجه به خدا این راه را تا آخر برسانید.

اسلام؛ دینی رهایی بخش

سرانجام نیز امام با تکیه بر اسلام رهایی بخش نقطه وحدت تمام نژادها و اقوام کشور آنچنان امواج خروشانی را علیه طاغوت به وجود آورد که زنجیرهای ۲۵۰۰ ساله پاره شد و حکومت اسلامی هدف مقبول امت و امام در ایران برقرار گشت. امام (ره) از همان آغاز نهضت یعنی خرداد ۱۳۴۲ به جوانان توجه ویژه‌ای داشت. مثلاً زمانی که رژیم شاه با نیرنگ می‌خواست با تعطیلی کسبه در روز جمعه زمینه فساد بیشتر را در میان جوانان فراهم کند، امام از مردم می‌خواست جلسات دینی را در روزهای جمعه برگزار نمایند، تا جوانان از جذب به مراکز فساد در امان بمانند و نقشه رژیم شاه را با درخواست از جوانان برای اظهار تفرغ از این عمل و گرم نگه داشتن مساجد و محافل دینی، برملا کردند. از این دست روشنگری‌ها که نشان دهنده ارتباط و اعتماد امام به جوانان است در تاریخ انقلاب اسلامی ایران بسیار زیاد است. نشانه‌هایی که پیش از هر چیز باعث شد جوانان اعتماد به نفس خود را دوباره بیابند و شانه به شانه هم برای محقق شدن انقلاب اسلامی تلاش کنند.



بود. نواریهای سخنرانی او در بین بسیاری از مردم و حتی بیسوادها می‌گشت. آثار او متناوباً تجدید چاپ می‌شد. تکیه کلام‌های او اغلب در تظاهرات خیابانی شنیده می‌شد و افکارش آزادانه توسط انقلابیون، خصوصاً دانش‌آموزان دبیرستانی، مورد بحث قرار می‌گرفت. در واقع دکتر شریعتی با کتاب

هایش نقش پررنگی در آشنایی جوانان با اسلام داشت. نقشی که نمی‌توان آن را انکار کرد. مهم‌ترین کار مرحوم شریعتی این بود که تفکر و اندیشه اسلامی را در سطح جوان‌ها به صورت بسیار وسیعی مطرح کرد. خصوصیات دینی شریعتی بود که برای جوان‌ها جالب بود. آشنایی با فرهنگ جدید، تیرگزینی‌های بسیار جالب که می‌توانست آن مجموعه تفکرات اسلامی که در ذهنش است عنوان‌بندی کند اطلاعات وسیع خودش از فرهنگ روز و اعتقاد عمیق اسلامی، همگی باعث می‌شد که او به شخصیتی محبوب در نزد جوانان تبدیل شود. شخصیتی که مرگ نابهنگام و مبارزانش با رژیم شاه، از او چهره‌ای خاص برای جوانان ساخت و باعث شد که در درک سخنان او اهتمام بورزند.

معلم شهید

خیلی‌ها وقتی انقلاب شد افسوس خوردند که چرا دکتر علی شریعتی در کنارشان نیست تا پیروزی را جشن بگیرد چرا که او را یکی از کسانی می‌دانستند که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشت. دکتر شریعتی با کتاب‌ها و سخنرانی‌هایش در حسینیه ارشاد توانست از شخصیت‌های بزرگ تاریخ اسلام مثل ابوذر و سلمان غبار ریزی کند و نشان دهد که آنها چه در سر داشتند و اصلاً چرا این چنین مخلصانه سر در راه اسلام گذاشتند. از سوی دیگر شریعتی با نگاه متفاوتش به شخصیت‌های بزرگی چون امام علی (ع)، حضرت زهرا (س)، قیام امام حسین (ع)، حضرت زینب (س) و... توانست جوانانی را که توسط رژیم و عمالش به عمد دور از اسلام نگه داشته می‌شدند و رژیم سعی می‌کرد کاری کند که آنها از اسلام بیزار باشند یا حداقل بی‌تفاوت، دوباره به اسلام برگرداند. او کاری کرد که توجه جوانان دوباره به اسلام جلب شود. او تلاش کرد تا اسلام را از تمام تهمت‌هایی که شاه و اطرافیانش می‌زدند، مبرا سازد و به خاطر همین نقش بسیاری در اسلام و طرفینش داشت که بر علیه شاه داشت شکل می‌گرفت. شریعتی را معلم انقلاب دانسته‌اند. مرحوم شریعتی را شاید بتوان یکی از اندیشمندان بسیار تاثیرگذار معاصر، پیش از انقلاب ایران دانست. در طول انقلاب اسلامی، شریعتی بدون شک مشهورترین نویسنده ایران جدید

جوانان و تکیه ایشان بر حضور و تاثیرگذاری شان آشنا شد بررسی سخنرانی است که امام خطاب به جوانان و درباره آنان گفته است. به عنوان مثال امام (ره) در یکی از سخنرانی‌های خود با اشاره هوشمندانه‌اش به نقش و قصد رژیم شاه در فاسد کردن جوانان می‌فرماید: «نقشه این بود که [جوانان] یا در خدمت دولت‌های اجانب باشند و اخیراً خصوصاً در خدمت آمریکا و یا یک افرادی باشند که بی‌تفاوت باشند. این مراکز که برای عیش و عشرت جوان‌ها تهیه کردند و این مغازه‌های زیادی که برای فروش عروسک‌ها و فرآورده‌های خارجی که به وجود آوردند و این دکان‌های مشروب‌فروشی، اینها به یک طبع خودش واقع نشده‌است! اینها روی یک برنامه‌ای بود که تقدیری که می‌تواند در دانشگاه‌ها جوان‌ها را از بین ببرد. تقدیری که در آنجایی می‌شود، یعنی مراکز فحشا، بی‌تفاوتشان کنند و راجع به کشور خودشان بی‌تفاوت باشند. هر کاری می‌خواهند بکنند، (شاه و آمریکا) بکنند، آنها [جوانان] کاری نداشته باشند.» در این میان البته امام راه‌هایی نیز برای رهایی از این وضع ارائه می‌کند. ایشان همواره مکتب اسلام و حکومت اسلامی را نجات‌دهنده مردم می‌دانستند و از جوانان نیز می‌خواستند با مطالعه و شناخت اسلام و تاریخ صدر اسلام و شناخت حکومت امام علی (ع)، تهذیب نفس و فداکاری، اتحاد و هوشیاری، التزام به احکام اسلام، افشای جنایات شاه و اعتراض به آن، بیدار کردن مردم، پرهیز از اختلاف و از اجتناب آرای شخصی در تفسیر قرآن، تبری از قشرهای غیراسلامی و جدیت در تحصیل علم، خود را برای مبارزه مکتبی و درازمدت با آمریکا و رژیم مستبد شاه تجهیز نمایند؛ باید توجه داشته باشید تا روزی که ملت اسلامی پایبند این مکتب‌های استعماری می‌باشد یا قوانین الهی را با آن مقایسه می‌کند و در کنار هم قرار می‌دهد، روی آسایش و آزادی رانخواهند دید و این مکتب‌هایی که از چپ و راست به ملت اسلام عرضه می‌شود، فقط برای گمراهی و انحراف آنان است و می‌خواهند مسلمانان را برای همیشه خوار و ذلیل و عقب مانده و اسیر نگه دارند و از تعالیم آزادیبخش قرآن کریم دور سازند. حضرت امام با صراحت می‌گویند که پای بندی به مکتب‌های استعماری و حتی مقایسه اسلام با این مکتب‌ها و در کنار هم قرار دادن آنها چه ذلت و خواری بزرگی را به همراه می‌آورد.

حالا شاید از خود بپرسید مگر رژیم شاه چه می‌کرد که مردم، جوانان و امام این چنین بر علیه او شوریدند؟ این سوالی است که پاسخ‌های متفاوتی می‌توان به آن داد اما همه این پاسخ‌ها در چند نکته یکسان و هم نظر هستند. شاه و خاندان او با نهایت سرسپردگی در مقابل آمریکا و اسرائیل، خزانه‌های ملت را به جیب گشاد بیگانگان سرازیر می‌کردند و هر فریاد آزادیخواهانه را